

نقد شعر

فراغتی و کتابی و گوشه چمنی

سیده ربابه میرغیاتی

■ چند جمله می نویسم درباره چند کتاب و بعد می روم تا شما شروع کنید. تا شما بروید به نزدیک ترین کتابفروشی و یکی، دو کتاب برای فرزندتان بخرید و او را به خلوت کتاب دعوت کنید به روشنایی محض. فراموش نکنید که تسوی کتاب به یادگار بنویسید «پوشاک کهنه را ببوش و کتاب تازه را بخر!» و تاریخ بزنید نوروز ۹۰، تا پچه یاش بماند عید همیشه رخت و لباس نو نیست، پیشنهادهای من، کتاب‌هایی هستند با قیمت‌های کم که بهانه‌ی بی پولی را از تان گرفته باشم؛ داستان‌هایی از جهان‌هایی متفاوت که به کلمه در آمده‌اند، ماجراهایی در ساره محرومیت‌ها و معصومیت‌ها با تنهایی و شادی و زندگی و همگی نوید یک روز خوب را می دهند، روزی در راه...



پیشنهاد اول من «شاهزاده بی تاج و تخت زیرزمین» است با پنج شخصیت داستانی؛ تقی و رجب و قاسم و هاشم با موسی که خودشان را صدا می زنند زمان و ببینو کیوو، تیمور بابزو باد قاسم (تیمور) راوی قصه است و البته، قصه «لیلی» هم دارد. داستان با دو روایت پیش می رود که یکی از آنها شامل گپ و گفت‌های پدر و دختری است در چت، پدر در ایران نیست و برای ماموریت رفته آمریکا و او کسی نیست مگر قاسم که وقت بچگی با رفقای دبستانی اش می خواستند از یک تونل زیرزمینی سفر کنند به آمریکا تا... دلیل بعد از تا را نمی نویسم و فقط می گویم خنده دار است، اینک، فرصتی پیش آمده تا قاسم خاطره کودکی اش را در قالب رمان برای دخترش تعریف کند و این ماجرای اصلی کتاب است. جدای طنز، زبان ساده و روان اثر باعث شده تا «شاهزاده بی تاج و تخت زیرزمین» کتابی خوش خوان باشد. به این مزیت، حسن دیگری را نیز اضافه کنید، نویسنده از روایهای بزرگ دوران کودکی و دوستی‌های ساده دانش آموزی می گوید که برای مخاطب نوجوان عزیز است و دوست داشتنی و از صلح می گوید تا هوای معصوم ذهن و خیال مخاطب با طعم تلخ و خاطره آندوه‌سار جنگ انیس نگیرد. این کتاب را «علی اصغر سیدآبادی» نوشته و از سوی واحد کتاب‌های کودکان و نوجوانان نشر چشمه یعنی کتاب ونوش با قیمت ۲۸۰۰ تومان چاپ شده است.



کتاب بعدی اثر «دیوید آلموند» است که در سال جاری برنده جایزه هانس کریستین آندرسن شد. از آلموند پنج کتاب به فارسی ترجمه شده است؛ «هوت‌زار کیت»، «هلکیگ و پچه‌ها»، «گل» با «تایستان راغچه»، چی؟ این که شد چپار تا؟ پنجمی «چشم بهشتی» است که می‌خواهم بگویم حتماً آن را بخريد و علاوه بر فرزندتان، خودتان هم بخوانید و باور کنید این کتاب بیشتر از آنکه درباره فقر باشد و فقدان، درباره مهر است و دوستی، کافی است از فصل‌های نخست داستان باصبر بگذرید و برسید به «بلک میندر» کجا؟ مردابی سیاه، در این جاست که سه شخصیت اصلی رمان یعنی «رین لسو»، «ژانویه کار» و «موش گالن» که از پرورشگاهی فرار کرده‌اند با «پدر بزرگ» و «چشم بهشتی» آشنا می شوند. شخصیت مرموز پدر بزرگ و شگفتی ذات وعین چشم بهشتی خواننده را به پیگیری ماجرا مشتاق می کند تا وقتی که از پس ترس‌ها و تاریکی‌های همیشه امیدوار و روشنایی‌های تازه خ می نماید و کودکان رنج بر دیده و سختی کشیده داستان در پناه همدگر تسکین می یابند و رنج‌ها در ذهن و زندگی شان معنا پیدا می کنند. این کتاب را نیز واحد کودکان و نوجوانان انتشارات ققنوس، یعنی نشر آفرینگان با قیمت ۳۲۰۰ تومان چاپ کرده است.

ماجرای «گرگ‌ها گریه می کنند» هم درباره و هایی نو است، داستان داستان عروسکی سرگردان از سرنوشتی شوم، «شهاب» قهرمان رمان «محمدرضا یوسفی» قربانی دسیسه‌ها و وسوسه‌های شر است و نویسنده او را به روستایی می کشاند دور و خالی از سکنه، در سیطره سپیدی و بره، شهاب بی تمهیدی داستانی تبدیل می شود به گرگی در کوهستان و زندگی بر او به شکل و شیوه‌ای دیگری می گذرد تا در نهایت با گشایش رازهای پنهان در تاریکی زندگی، آن تقدیر دیگری برای او رقم می خورد. این کتاب بر ماجرا سرشار از تضادها و تقابلهاست.

پیشنهاد آخر «کافکا و عروस्क مسافر» عنوان کتاب دیگری است که خواندن آن برای فرزندان و والدین لذت بخش است. این داستان بازنویسی شاعرانه ماجرای واقعی است که

از رابطه «فرانتس کافکا» می گوید با دختری که عروस्क را تم کرده است. «جودی سیرثی افاير» در این رمان از ترازوی بزرگی می گوید که پشت اتفاقی ساده پنهان شده است و با روایتی جذاب از جادوی کلمات می نویسد، وقتی که روح‌های از رده را شفا می دهند این داستان یادآوری زبان کودکانه است برای بزرگ ترها تا آنها رنج کودکان را بشناسند و به کودکان نیز کمک می کند تا از اوقات سختی و تنهایی گذشته و به نیمه آرام و شاد زندگی برسند. «کافکا و عروस्क مسافر» را انتشار ایران بان با قیمت ۲۵۰۰ تومان چاپ کرده است.

احساستان در مورد شورا چیست؟

احساس کلی من این است که شورا یک کتابخانه بزرگ است. در آن شکلی که در ذهن من یک کتابخانه آرمانی شکل گرفته، مطمئن نیستم که در آغاز کار در شورا این وسعت را می توانستم ببینم اما القوه می توانستم این احساس را داشته باشم که این همان کتابخانه عمومی است که من دوست دارم. هر چه زمان می گذرد مطمئن می شوم که این الگوی بسیار طراز اولی از کتابخانه عمومی است که من در ذهن دارم. چرا؟

همیشه فکر می کردم و می کنم کتابخانه عمومی هم باید خدمت بکند هم آفریننده اندیشه باشد. هیچ وقت فقط به عنوان مرکز خدماتی کتابخانه عمومی را نمی بینم. دلایش این است که من همیشه ذهنم به بیت الحکمه می رود. به قرون اولیه اسلامی به بغدادی فضایی که در آن هم اندیشه جریان می یابد، هم متولد می شود و هم به طرف جامعه می رود و هم جوامع به طرف آن می آید. در شورا به همت دوستان قوی و پژوهشگر این اندیشه من شکل گرفته اصلا فکر نمی کنم که خودم شخصا در این اندیشه نقش داشتم اما مثل قایق کوچک کاغذی که در این مسیر حرکت کردم و ممکن است بعدها وقتی آرشوهای شورا، صحبت‌های من با تصمیماتی که گرفته شده بررسی شود مور خان بتوانند نقشی را برایم در این اتفاق تعریف کنند. در تبیین اندیشه‌ام در مورد کتابخانه عمومی در جامعه ایران اما می توانم بگویم ما به نتایجی رسیدیم که قابل تامل و لذت بخش است. یکی از مهم ترین این نتایج بحث تدوین کتاب شناسی است. از اولین اهداف شورا بررسی کتاب بوده. از همان سال ۴۱ شورا کارش را با بررسی کتاب شروع می کند که الان سالی ۹۰۰ اثر را بررسی می کند. هم رشد ادبیات کودک کار ایران و هم توانمندی شورا را نشان می دهد. بیش از ۱۰۰ نفر در گروه‌های متعدد بررسی کار می کنند. قدرت کتاب شناختی شورا آن هدفی را در کتابخانه عمومی پاسخ می دهد که کتابخانه عمومی یک نهاد توصیه گر است. می تواند کنترل کیفی کند. فهرستاش می تواند باعث شود اثری خریده شود یا خریده نشود. این یکی از کارهای هم میزب و هم رشد کیفی ادبیات است. نقش کتابخانه در تولید اثر، وقتی کتاب در کتابخانه عمومی خریده شود و معرفی شود و حرکت کند ناشر سود می برد و نویسنده تشویق می شود و در روان اجتماع تاثیر می گذارد و آن نوع اثر تشویق می شود. حالا تصور کنید برای این کار معیارها تدوین می شود و چقدر بحث علمی صورت می گیرد که در جامعه‌ای مثل ایران که این بحث‌ها در آن بسیار کم است، بسیار مهم است. کار مشترک صورت می گیرد که گروه‌ها بنشینند و همدیگر را اقناع کرده و بحث کنند. ثبت در ست اطلاعات و پاسخگو بودن به جامعه در آمدن، فهرست دادن جوازه همه اینها برمی گردد به بحث گزینش اثر و بررسی آثار، بعد بحث‌های جدی پیرامونی به وجود می آید. مثلا بحث ایران در ادبیات. یعنی انواع پژوهش‌های کتاب شناختی و نظری در این بستر شکل می گیرد. همیشه دلم می خواست این بخش پژوهشی بزرگ را در آن کتابخانه آرمانی ببینم.

راج به اداره شورا ایگو بید. چقدر قائم به فرد است و چقدر همنظور که گفتید مشارکتی است؟

حقیقت یک چیز است و تصویر بیرونی یک چیز. به ویژه در جامعه‌ای مثل ما که دوست دارد خیلی چیزها را به فرد وصل کند. به نظرم تصویری در خارج از شورا وجود دارد که افراد قوی‌ای آن را هدایت و مدیریت می کنند. می گویم این طور نیست. یک خرد و منطق جمعی شورا را مدیریت می کند. شورا رئیس ندارد. سلسله مراتب اداری اش بسیار بسیار کوتاه است. بحث کاغذ بازی خیلی کم مطرح است. هر کسی که عضو شورا می شود اگر اندیشه نو داشته باشد که بتواند آن اندیشه نو به درستی دفاع کند در حوزه کتاب کودک و اسانسه دانش باز است. عضو می شود و هر کمکی به او می شود. کتابی که نگاهش تجربی است و همه اعضای هیات مدیره و دوستان دیگر هم همین باور را دارند. شورا توسط هیات مدیرا ش اداره می شود نه توسط یک فرد اندیشه یا نظر. فکر نمی کنم هیچ کدام از ما هر هیچ یک از نظراتمان در طول این سال‌ها بافاشتری بی مورد کرده باشیم که دلیل موجهان همیشه منافع و نظر جمع است یا حداقل بسیار تلاش کرده‌ایم این طور باشد. کوشش کردیم نخست روی خودمان تاثیر بگذاریم و خودمان را از مفرد به جمع برسانیم و «ها» فکر کنیم و بعد ایں را به بقیه تسری دهیم. اینکه تا چه حد موفق بودیم، نمی دانم اما کوشش در این راستا بوده. شورا یک نهاد ثبت شده رسمی است. مجمع عمومی دارد. دو سال یک بار در این مجمع انتخابات انجام می شود. اعضای رسمی‌ای است می دهند و هیات مدیره انتخاب می شوند. هیچ کدامان علاقمند نبوده و نیستیم که هر بار انتخابات شویم اما مصالح شورا یا مصالح یک نهاد غیر دولتی پژوهشی کوچک ایجاب می کند برخی از تجربه‌ها ماندگار شود تا به نمر برسد. بحث انتقال تجربه، فرصت پیدا کردن برای ثبت تجربه، انجام مصاحبه‌ها و تربیت افراد. الان تمام نیروی شورا در خود شورا تعلیم دیده و تربیت شده، اگر قرار باشد تغییر هیات مدیره هم بار به صورت صد در صد اتفاق بیفتد ما دچار گسست می شویم. تلاش کردیم همیشه در پنجاه درصد باشد که گروه جوان بیاموزد و بتواند بعد به کار ببندد.

چقدر از کارهای شورا به شیوه سنتی اداره می شود و چقدر با استفاده از تکنولوژی؟ اصلا در برنامه هان هست؟

طبعاً همه ما در معرض بحث تکنولوژی قرار گرفتیم. بسیاری از اعضای هیات مدیره کنونی با کامپیوتر تبادله اطلاعات می کنند ولی اگر میابننگ سنی اعضای هیات مدیره را بررسی کنیم دسن یکی از ملاک‌های آسان بودن ورود به تکنولوژی باشد و اگر حجم کار را ببینیم جایی برای یادگیری سخت می شود پیدا کرد. هنوز آن رفتن وسیع به طرف تکنولوژی‌های جدید را در گروه یادای از اعضای هیات مدیره نمی بینیم اما حساس مسئولیت به سایت و از ۱۵ سال قبل سایت شورا را راه اندازی کردیم که الان نسل سوم آن است. از این نظر مشکلی نداریم. تمام فضای شورا مرتبط با ADSL است. کتابخانه کاملا الکترونیک است. فهرست آن از طریق کامپیوتری که در کتابخانه قرار دارد قابل بازایابی است اما ما یک سازمان داوطلب هستیم و نیروی داوطلب که پرداخت دریافت نمی کنند و امکانات مالی بسیار کم نمی شود، فشار آورد. ضمنا در دام کارهای تجربه نشده می بنطق هم اصلانمی خواهیم بقیتم اما مدت‌هاست که در فکر هستیم برنامه نویسی کنیم برای الکترونیک کردن بانک اطلاعات اعضای شورا که تماس‌ها و اطلاع رسانی‌ها انجام شود. ما هنوز باید به دلیل نوع کار شورا و از آن‌ا امتنان کتابا دعوت نامه بفرستیم. می خواهیم سعی کنیم علاوه بر بحث ارتباط نزدیک تر داشته باشیم و جلساتمان را خیر مدت، عقب نیستیم



عکس: عیلاذ شریفی

گفت و گو با نوش آفرین انصاری

شورایک کتابخانه بزرگ است

شادی خوشکار

مهم ترین موسسه‌ای که در ایران به ادبیات کودک و نوجوان می بر دازد شورای کتاب کودک است. شورا و زیر مجموعه‌هایش چون «خانه کتابدار و ترویج خواندن» و «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» سال‌هاست که با نگاهی متفاوت به کتابخانه‌های عمومی و خدمات‌شان فعالیت می کنند. از افرادی که در این رویکرد شورانسیب به کتابخانه‌های عمومی نقش داشته‌اند «نوش آفرین انصاری» است. او که از سال ۱۳۴۲ از زمان شورا راهمسو با نگاه خود می بیند به این موسسه می پیوندد و در حال حاضر عضو هیات رییسه شورا و از بنیانگذاران فرهنگنامه کودکان و نوجوانان است. علاوه بر این سال‌ها استاد دانشگاه در رشته کتابداری و مدیر کتابخانه‌های دانشگاهی بوده است اما همچنان علاقه و آرمان اصلی اش در زمینه کتابخانه‌های عمومی و گسترش فعالیت‌های آنهاست و به حق در سال ۲۰۱۰ به عنوان یکی از ۲۵ عضو افتخاری در «انجمن بین المللی کتاب برای نسل جوان» IBBY پذیرفته شد. اگر چه شورا پیش ازین و در سال ۴۲ به عنوان نهاد عضو IBBY شده بود.

اما اگر امکانات مالی و تجهیزات سخت افزاری و تخصص‌های نرم افزاری داشتیم قطعا می توانستیم بهتر و بیشتر از تکنولوژی استفاده کنیم. مساله دیگر دیجیتالیزه کردن بخشی از کتابخانه است. سخت در تنگنای جاسهتیم. مذاکراتی که این زمینه به حسینیة ارشاد انجام داده‌ایم اما مشکل مان این است که گنجینه بزرگ ادبیات کودک ایران که اینجا جمع شده به ویژه کتاب‌های ۷۲ و بسیاری از آثار نادر و منحصربه فرد را به کجا انتقال دهیم. نمی خواهیم بروند در زیر زمین‌ها بمانند. کالبدهای فیزیکی شان حائز اهمیت هستند. از تنگی شدید خارج می برسم. هنوز به توافق نرسیده‌ایم کجا بگذاریم که با فاصله ۲۴ ساعت رفتن و برگشتن اصل اثر رجوع کنیم. رده بندی کتابخانه شورا بر اساس رده بندی ده دهی دیوئی است بنابراین کتاب‌های سنین مختلف بر اساس موضوع کنار هم هستند. الان کتابداران داوطلب کمک می کنند که ما کتاب‌های تا ۵۷۱ بیرون بیاوریم و ببینیم از چه تعداد کتاب داریم صحبت می کنیم.

شورا و مراکز زیر مجموعه اش

جهانی کار می کنند و نگاه به جهان دارند. مثلا کارهای شورا در جهان بیشتر مطرح است تا در ایران و بین مردم. نگاه شما به این قضیه چیست؟ جامعه به شدت شیفته جهان است و انعکاس این بخش از فعالیت‌های شورا در رسانه‌ها و ذهن‌ها بیشتر است اما درون خود شورا این طور نیست. ما یک نمودار سازمانی داریم که در آن سه بخش اصلی شورا تعریف شده.

بخش ادبیات کودک و نوجوان، فرهنگنامه کودک و نوجوان و خانه کتابدار و ترویج خواندن. زیر مجموعه بخش اول کمیته روابط بین الملل است و هیچ تفاوتی با بقیه ندارد. یک دلیل مطرح شدن فعالیت بین المللی شورا اهمیتش است. دوم، شیفتگی است که ما متاسفانه به غیر ایران داریم. سوم مرتب بودن آن مرتز بین المللی دارد و استمرار آن هر دو سال یک بار. وقتی نظم دانشگاه کلاس اس می مطرح می شود و توانایی استثنایی شورا در پاسخگویی به آن نظم، توانایی شورا از گروه‌های بررسی ناشی می شود. به محض این که دفتر می گوید فهرست افتخار سال ۲۰۱۲ را به ما بدهید سریع رجوع می شود به کمیته‌های بررسی و از همه مهم تر هزینه‌هایی که تا مین می شود. ما برای اینکه عضو دفتر بین المللی باشیم سالی دو هزار، برای هر کتابی که معرفی می کنیم برای اندرسن ۲۵۰ فرانک و برای فهرست افتخار هر اثری ۷۵ فرانک سوییس حق عضویت می دهیم. هم توان کار شناسی و هم توان مدیریتی بین المللی بالاتر و هم اینکه امکانات مالی را فراهم کردیم و این استمرار پرداخت را داشته‌ایم و در تمام این سال‌ها هیچ کدام از ناشران و هیچ کس جز یک بار یک خانسواده - غیر از شورا - ناشران وقت کمک نگرفتیم و نمی خواستیم بگیریم. وقتی بحث انتخاب و معرفی پیش می آید باید دست تان باز باشد

نیاز که در گروه‌های بررسی هر سال انجام می دهد به دلیل اینکه معتقد بوده که ایران باید به کودک و نوجوان ایرانی شناخته شود. از دو وجه می شود این کار را کرد. یکی از وجه زبان و یکی در وجه مطلب است و شورا مطلب را انتخاب کرد و سراغ دانشنامه رفت. از سال ۴۶ که اثر شیه دانشنامه‌ای از نویسنده آمریکایی ترجمه شد تیر خلاص زده شد. شورا هجوم فرهنگ آمریکایی و غرب را ملموس احساس کرد و اینکه ما برای چه باید بدانیم چند راس گاود را الا با ما وجود دارد. تعادل در دانستن و اولویت در دانستن مهم است. شورا نگاه ضامیر با ایستی پیدا می کند و آشفته می شود و تصمیم به این می گیرد که ما باید یک دانشنامه ایرانی نوشته شده در ایران با نگاه از ایران به جهان برای فرزندانمان تهیه کنیم هم خودمان ایران را بهتر بشناسیم هم راه‌های معرفی ایران را به بچه‌ها پیدا کنیم. حدود ۱۰ سال بعد از این در سال ۵۸ بنیان کار فرهنگنامه گذاشته می شود. الان ۲۵۰ متخصص در ۳۰ گروه کار شناسی داریم و در حوزه مدیریت دانشنامه‌ای پیشرفت خوبی داشتیم. زمانی که شروع کردیم چهره، پنج نفر بودند. سال‌ها یک جلد می توانست کار شود. الان چهار جلد در سال همزمان کار می شود. این افراد در مدرسه فرهنگنامه رشد کردند. توانایی علمی و مدیریتی در این ۲۲-۳۳ سال بالا آمده. فرهنگنامه به یک اثر بسیار ممتاز تبدیل شده است. بحث بی طرفی، در ست بودن اطلاعات، عمیق شدن در ایران، توجه به مطالبی که شاید بچه‌ها در کتاب‌های درسی شان نمی بینند و اطلاعات و جامعه را گسترش می دهد. هدف دایره المعارف فقط این نیست که کتاب درسی را پیش ببرد بلکه فرار از مدرسه است. جور دیگر دیدن. علم و دانایی است. هم از ران متن و هم تصویر به این هدفش دست یافته است. خیلی از بچه‌هایی که به مطالعه علاقه مند نیستند عکس‌های فرهنگنامه را می خوانند. فرهنگ عکس خواندن و تصویر خواندن را رشد داده است.

در این سال‌ها تفاوت‌های کودکان در گذر سال‌ها چطور در نظر گرفته می شود و نیاز سنجی‌ها چطور انجام شده است؟ حدود صد کودک و نوجوان ۱۰۶ تا ساله مشاوران فرهنگنامه هستند و در جلساتی خدمت خاتم میرهادی و بقیه کار شناسان و مقالات با اینها خوانده می شود و نظر ایشان را در مورد محتوای مققاها بیان می کنند و چیزی که دوست دارند در مقاله ببینند در مورد اینکه نیاز چطور برآورده می شود. هیچ دانشنامه‌ای در هیچ کشوری نمی تواند در هیچ عصر این داعیه را داشته باشد که به تمام نیازها جواب بدهد. کودک و نوجوان پاسخ را از راه‌های بسیار گوناگون به دست می آورد. نمی شود توقع داشت اثر مرجع همه آنها را پاسخ دهد ولی اثر مرجع باید یک احساس مسوولیت را به وجود بیاورد یک غنغدغه را به وجود بیاورد که او را سختگیر، پرسشگر و شکاک کند بتواند جستجو کند و سوال کند و خودش به نتیجه برسد. در مورد پایان کار، سنت آگزیوبری جمله قشنگی دارد و می گوید: اصل در آغاز است. من هم این احساس را دارم. خاتم میرهادی هم می گویند: باید با آماش پیش رفت. کاملا برای من محرز است که ما، انسل بنیانگذار پایان فرهنگنامه را نخواهیم دید. اگر خلافت ثابت شود خوشحال می شوم اما باکی از آن نیست زیرا این بنایی که تا به حال ساخته شده اینقدر محکم هست و خوش را نشان می دهد که دیگران بتوانند آن را ادامه دهند. یکی دیگر از سوال‌های کلیشه‌ای از من این است که کی تمام می شود. من می گویم هر جلد فرهنگنامه یک اثر تمام شده است. پریش در مورد پایان آن یک بهانه است. این سلب مسوولیت از پنهان‌های جامعه کتاب نخوان است. توصیه می کنم فکر کنید این یک تک اثر است. بیش از اینکه فرزندان باید بخوانند بزرگسال باید بخوانند اما اغلب با یک نگاه غلط اثر را مربوط به خودشان نمی دانند. بزرگسال است که بچه را تشویق می کند مقاله را چطور بخوان اما هنوز در ۹۰ درصد کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی فرهنگنامه نیست. این سلب مسوولیت فرهنگی است و به این فکر می کنم که بحث کتابخانه باید با مطرح شود. اگر کتابخانه عمومی در سراسر ایران داشته باشیم و همه از آن کودک در معرض کتاب بگذاریم نسلی که بزرگ و هو مدیر می شود آلوده آن عشق شده است.

حالا بعد از تمام این فعالیت‌ها چقدر با جهان ایده آل ذهنتان فاصله دارد؟ من آدم بسیار شب و شب‌زور و نصف شب با شوق فراوان دنبال این کارها هستم. اگر بخواهیم طور دیگری نگاه کنیم که اگر شورا ساختمان بهتری داشت اثر پل داشت. اما نبوده. ما در شرایط سخت و محدود کار کردیم و شبیه خود مردان ایران هستیم. وقتی گاهی را می بینم که از دل سنگ با سختی بیرون آمده می گویم این شورا است. این تاریخ ما بوده. تاریخ هیچ کشوری سهل نبوده. کار گشتیم که هستن این همه هکار خود و تئورایی تر از اول دارم. الان شورا اسرود بسیار زیبایی دارد که یکی از بخش‌هایش اکنون اصلاح تربیت است چون شورا سال‌هاست در آنجا فعالیت کرده است. اینها بچه‌هایی هستند که محرومیت اجتماعی دارند و مسوولیت کتابخانه عمومی است که به آنها سرویس دهد کلی نگاه می کنیم. بحث کتابخانه عمومی مطرح می شود که باید به تمام قشرهای جامعه سرویس دهد و در زمان‌های باید حرکت کند و بیرون برود. مثلا گروه کتاب و کودک بیمار در پنج بیمارستان فعالیت می کنند. هدف کتابخانه عمومی این است که کتاب را باید به دست شهروند برساند. این شهروند ممکن است هر جایی باشد. پناهنده افغان هم شهروند است. کتابخانه اردو گاها بخشی از خدمات کتابخانه عمومی باید باشد و باید به یک کتابخانه مادر وصل باشد و مرتب آن مجموعه را غنی کند کتاب را ترویج کند. من به تاثیر‌های جمعی کلی بر انگیزاننده نگاه نمی کنم. کتابدار نگاهش به فرد است. انسان را می بیند. همان پیش اصل اصلی رانات تاگور که در مورد کتابداری می گوید: کتاب برای همه، هر خواننده‌ای کتابش، هر کتابی خوانده‌اش، صرفه جویی در وقت، نهاد یوا بحث «هر خواننده‌ای کتابش» بسیار مهم است و این دلیلی است که من شورا را به شکل یک کتابخانه می بینم. فرد باید آموخته و فرد مخاطب دیده می شود. بحث یگانه بودن هر فرد یگانه بودن از لحاظ اثر باقر. کتاب نوشته می شود و جامعه ممکن است به هزار شکل آن را بفهمد. تمام اینها بر می گردد به اینکه اینجا یک کتابخانه است. دو رشته بزرگ فکری در شورا تاثیر گذاشته یکی تعلیم و تربیت است که خاتم میرهادی و دوستانش بودند و یکی همه تعلق کتابداران را که من و دوستان دیگر ما بودیم.

زائویه

فرا تر از مرزهای سنی

مریم محمدخانی

■ گاهی کتاب‌هایی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان منتشر می‌شوند که به راحتی می‌توان قید کودک و نوجوان روی جلد آنها را نادیده گرفت. آثاری که مرزهای سنی را در می‌نوردد و می‌توانند برای هر گروهی جذاب و سرگرم کننده باشند، مانند مجموعه «نیکولا کوچولو» که پشت آن قید شده کتابی است برای کودکان هفت تا هفتاد و هفت ساله! یا آثار نویسنده‌هایی مانند شل سیلور استاین و هوشنگ مرادی کرمانی. امسال هم کتاب‌هایی این چنین به بازار کتاب ایران آمده است، کتاب‌های زیر فقط نمونه‌ای از این دست کتاب‌هاست.

در جست و جوی آبی‌ها



نویسنده: لوئیس لوری. مترجم: کیوان عبیدی آشتیانی. نشر: کتاب ونوش (چشمه). چاپ اول: ۱۳۸۹

این کتاب بخش دوم از یک تریلوزی است. کتاب اول این مجموعه با نام ببخشند که از سوی همین مترجم و ناشر منتشر شد و امسال تجدید چاپ گردید، برنده مدال نیوبری است. نیوبری از معتبرترین جوایز جهانی در زمینه ادبیات کودک و نوجوان است. هر کدام از این کتاب‌ها را می‌توان اثری مستقل قلمداد کرد. زمینه اصلی این تریلوزی نگاهی خاکستری به آینده ساکنان کره زمین است. اگر در «بخشدن» جامعه توانسته بود به این تکنولوژی دست پیدا کند که خاطرات و احساسات مردم را از روحشان پاک کند تا آنها در جهانی مکانیکی و بدون دغدغه‌های انسانی زندگی کنند؛ در «در جست و جوی آبی‌ها» مردم انگار سه دوران پیش از تاریخ برگشته‌اند. دورانی که در آن زندگی قبیله‌ای است. افراد معلول از بین برده می‌شوند چون نمی‌توانند همپای بقیه آیند‌های پسر از آرامش و صلح، رها از نگاه غیر انسانی سر پرستان دهکده.

ملیکا و گر به‌اش



سید نوید سید علی اکبر تصویرگر: لیسار جسته. ناشر: کتاب‌های فندق چاپ اول: ۱۳۸۹

تا به حال سه جلد از مجموعه «ملیکا و گر به‌اش» با نام‌های «عروسی گر به ملیکا با خاتوم مگس»، «فول ده کله» و «هامین گر به پاک نداره» منتشر شده است. خلاقیتی که در این مجموعه به چشم می‌خورد، در کمتر مجموعه داستان تالیفی وجود دارد. این خلاقت که با طنزی دلنشین و شیطنت‌آمیز همراه است روایتگر اتفاقاتی است که برای ملیکا و گر به‌اش پیش می‌آید. عناصری که برای خلق این داستان‌ها و اتفاق در کنار ملیکا و گر به‌اش قرار می‌گیرد برای کودک ایرانی عناصری آشنا است. مانند پاک کن،

مدا، اسباب بازی و...

گاهی نیز شخصیت‌هایی مانند رستم و سیمرغ و ازدها وارد داستان می‌شوند و فضایی طنز آمیز را به وجود می‌آورند که نشان از جسارت نویسنده جوان این مجموعه دارد. قرار گرفتن عناصری حماسی در فضایی فانتزی و خنده دار برای مخاطب کودک.

گام به گام با آقای گام



نویسنده: اندی استنسون. ترجمه: رضی میرمدنی. ناشر: کتاب چرخ و فلک.

اولین جلد این مجموعه با نام «آقای گام شما بدجنس اید» در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات چرخ و فلک به چاپ رسید. انتشاراتی که اولین ناشر تخصصی کتاب‌های طنز کودک و نوجوان است. دو جلد پنج و پنج نیم این مجموعه یعنی «آقای گام و خرسی با حرکات موزون» و «آقای گام در درنده لامونیک بپر» در سال ۱۳۸۹ چاپ شده است. اندی استنسون، به نوعی ادامه‌دهنده راه نویسنده‌گانی چون دکتر ژنوس است. نویسنده‌گانی که جلوتر از زمان خود حرکت می‌کنند و فضای کارهایشان سرشار از خلاقیت و نبوغ است، خلاقیتی که هم در فرم متجلی می‌شود هم در مضمون. در هر صفحه این مجموعه خواننده با عنصری روبه‌رو می‌شود که او را شگفت زده می‌کند. فضای کتاب، فضای است شوخ و شنگ همراه با طنزی عمیق که گاهی در قالب رزبان و بازی‌های کلامی جاری می‌شود. رضی میرمدنی، مترجم توانایی «گام به گام با آقای گام»، این طنز را به خوبی، در ترجمه اثر منتقل کرده است. این مجموعه تا به حال در دنیا جوایز بسیاری را مانند جایزه کتاب ردهاوس و جایزه کتاب خنده دار رولدالد کسپ کرده است.